

اصفهان، الگوی ملی صنعتی سازی در کشور

به گفته معاون وزیر و رئیس مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی اصفهان در مسیر صنعتی سازی ساختمان پیشرو است

اطلاع رسانی ۰۴

دستاوردهای طلای سبز برای اصفهان

استان اصفهان با تنوع اقلیمی از مناطق کوهستانی تا اقلیم های گرم و خشک زیست بوم مناسبی برای رویش بیش از صدها گونه گیاه دارویی دارد

اولویت کشت گیاهان دارویی با توجه به کم آبی خشکی و شوری با کشت گیاهان دارویی چند ساله است. این گیاهان تا اواسط بهار به خواب می روند نیازی به آبیاری تابستانه ندارند؛ از بارندگی های زمستانه و بهاره استفاده می کنند

احمد رضا رئیس زاده، مدیر امور باغبانی سازمان جهاد کشاورزی اصفهان



اقتصاد ۰۲

نگاه یک شهید بر بوم زوج هنرمند!

از هیئت خادم الشهدا تا قاب های ماندگار؛ روایت پیوندی که با پیشنهاد شهید میثم رضوان پور به هنر متعهد گره خورد

یادآوری ۰۷

هشت گام تا قلعه

نگاهی به فرایند طراحی و اجرای اردوی مشهد سال ۱۴۰۵ گروه فرهنگی فانوس و پیوند برنامه های تربیتی در یک مسیر واحد

گروه فرهنگی دخترانه فانوس در آخرین روزهای شهریور، ۲۱ سالگی اش را جشن گرفت. این مجموعه فرهنگی که دست کم برای مردم اصفهان شناخته شده است، در شرایطی که فقدان مجموعه های دخترانه در سطح شهر بیداد می کرد، بسیاری از دختران نوجوان، اوقات خود را در آن به نیکی سپری کردند. این گروه فرهنگی حالا با گذشت ۲۱ سال از عمرش، بسیار آزمون و خطا کرده و در برخی از حوزه ها به قوام رسیده است؛ از جمله اردوداری. به گفته حجت الاسلام محمد داستانیور، مؤسس گروه، نقطه عطف این مجموعه، چه در برهه های آغازین و چه در تمام این سال ها، سفرهای مشهدی بوده که رزق سالانه اعضا در آن امضا می شود. با در نظر گرفتن چنین اهمیتی راجع به سفرهای دسته جمعی گروه، ما نیز در این گزارش توجهمان را معطوف به مدل اردوداری مجموعه و به طور خاص سفر امسال مشهد کردیم؛ سفری زاری که از تاریخ ۱۹ تا ۲۵ شهریور با جمعیتی قریب به ۳۵۰ نفر برگزار شد و نکته مهم برای ما، برنامه های مجموعه در این چند روز بود. اگر بخواهیم خلاصه بیان کنیم؛ انسجام میان برنامه های متعدد گروه که همچون نخ تسبیچی به یکدیگر متصل بودند و هدف واحدی که دنبال می شد، برای ما بسیار جالب و متفاوت بود. در همین راستا، با جمعی از اعضای کادر این گروه فرهنگی در این باره صحبت کردیم و گزارش پیش رو، همراه با گام های تعریف شده، نتیجه آن است. شایان ذکر است؛ به دلیل گستردگی موضوع و اشراف هر یک از اعضا بر بخشی از کار، گفت وگوهای متعددی صورت گرفته است و به همین خاطر مطالب، منتسب به یک شخص واحد نیست...



فاطمه رجب زاده

کانون ها ۰۶



ایستادن در حاشیه

فرشاد توسلی، دبیر گروه فرهنگ و اندیشه



فرهنگ و اندیشه ۰۸

عکس از حمید رشاد توکل پور



برای داروهای اساسی ذخیره استراتژیک داریم

گفت وگویی تفصیلی «اصفهان زیبا» بامعاون غذا و دارو دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در رابطه با افزایش قیمت و کمبود برخی از داروها

جامعه ۰۵



hammahalleh
Isfahan



M
235

↻
86

🕒
7613

📶
1600

💬
159

❤️
1500

می دونستید جامی هم پاچار داره؟

محله هایی که توی دل به محله قدیمی جا گرفتند، داستانی شنیدنی دارند که فقط اهالی اون محل، ازش باخبرند. یکی از این حکایت ها مربوط به محله پاچار خیابان جامی ست؛ چون بیشتر مردم اصفهان از پاچار حکیم نظامی خبر دارند و اسم پاچار جامی رو کمتر شنیدند.



ضوابط شفاف‌سازی قیمت و اوزان کالاها

قائم مقام وزیر صمت با تشریح ضوابط تغییر وزن و قیمت کالاها، اعلام کرد درج وزن غبرواقعی روی بسته بندی تخلف قطعی است. به گزارش مهر، محمدصادق مفتاح، در برنامه «سکه صبح» به تفکیک میان «کوچک شدن بسته بندی کالا» و «کاهش غبرواقعی وزن محصول» پرداخت و در پاسخ به پرسش‌های مطرح‌شده از سوی مردم درباره کاهش وزن برخی اقلام با حفظ قیمت اظهار کرد: باید دو موضوع را به دقت از یکدیگر تفکیک کرد؛ چنانچه تولیدکننده ابعاد بسته بندی محصول را کوچک تر کند و هم‌زمان وزن واقعی و دقیق کالا را روی بسته درج نموده و مصرف‌کننده را از میزان واقعی محتوا مطلع سازد، این اقدام فی‌نفسه تخلف محسوب نمی‌شود. وی با اشاره به دلایل اقتصادی این تصمیم تشریح کرد: در شرایطی که هزینه‌های نهاده‌های تولید، مواد اولیه، دستمزد و حامل‌های انرژی روندی صعودی به خود می‌گیرد، تولیدکننده ممکن است به‌منظور تطبیق کالا با توان و قدرت خرید مصرف‌کنندگان، محصولات خود را در بسته‌بندی‌های کوچک‌تر به بازار عرضه کند؛ این یک شیوه محسوب‌اندال اقتصادی است که در بسیاری از کشورهای جهان نیز اجرا می‌شود. قائم مقام وزیر صمت در ادامه با تأکید بر مرز میان انطباق اقتصادی و تخلف صنفی تصریح کرد: خط قرمز نظارتی زمانی است که روی بسته‌بندی یک وزن مشخص ثبت شود، اما محتوای واقعی درون بسته کمتر از رقم اعلامی باشد؛ این اقدام به طور آشکار تخلف محسوب شده و نهادهای نظارتی موظف به برخورد قانونی با آن هستند.

دستاوردهای طلای سبز برای اصفهان

استان اصفهان با تنوع اقلیمی از مناطق کوهستانی تا اقلیم‌های گرم و خشک، زیست‌بوم مناسبی برای رویش بیش از صدها گونه گیاه دارویی دارد



مینا ایزدی

دبیرگروه اقتصاد

در شرایطی که بحران منابع آبی، بازنگری در الگوی کشت استان اصفهان را به یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر بدل کرده، توسعه کشت و صادرات گیاهان دارویی به عنوان یکی از پایدارترین مسیرهای خلق ثروت و اشتغال مطرح استان اصفهان شناخته می‌شود. استان اصفهان با تنوع اقلیمی کم‌نظیر از مناطق کوهستانی و سردسیر سسمیرم و فریدند تا اقلیم‌های گرم و خشک نطنز، کاشان، نایین و خورویابانک زیست‌بوم مناسبی برای رویش و پرورش بیش از صدها گونه گیاه دارویی با ماده مؤثره بالا فراهم کرده است. ■

کاشان، آران و بیدگل و میمه قطب تولید گلاب و اسانس طبیعی هستند. مراتع غنی استان، یکی از خاستگاه‌های اصلی گونه‌های گون کثیرایی در کشور است؛ محصولی که مشتریان عمده صنعتی در صنایع داروسازی و آرایشی کشورهای خارجی دارد. کشت زعفران، سیاه‌دانه، زیره و خاکشیر در شرق و شمال استان رو به گسترش بوده و توانسته بازارهای همسایه و آسیای شرقی را هدف قرار دهد.

■ اولویت کشت گیاهان دارویی

مدیر امور باغبانی سازمان جهادکشاورزی اصفهان به اصفهان زیبا گفت: اولویت کشت گیاهان دارویی با توجه به کم‌آبی، خشکی و شوری با کشت گیاهان دارویی چندساله است که تا اواسط بهار به خواب می‌روند یا نیازی به آبیاری تابستانه ندارند و از نزولات بارندگی زمستانه و بهار استفاده می‌کنند و نیازی به آبیاری تابستانه ندارند.

این گیاهان شامل موسیر، زعفران، زیره سیاه، باربچه، کرفس‌کوهی، آنغوزه و علف‌مار هستند؛ همچنین با توجه به شرایط کم‌آبی، کشت گیاهان

یک‌ساله که تا اواخر بهار برداشت می‌شوند، به‌منظور استفاده از نزولات بارندگی زمستانه و بهاره در اولویت قرار دارند؛ چون نیازی به آبیاری تابستانه ندارند؛ مانند کشت زیره سبز، تخم شربتی، قدومه شیرازی، بالنگو، کاکوتی و شاتره.

احمد رضا رئیس زاده بیان کرد: علاوه بر این‌ها، گیاهان دارویی چندساله و یک‌ساله که دارای نیاز آبی کم هستند مانند رزماری، اسطوخدوس، آویشن، درمنه، خارشتر، زرشک، عناب، زوفا، مریم‌گلی، پنج‌انگشت، رازیانه، زنیان، شوید، اسیند، خارخاسک، گل‌گاوزبان، شیرین‌بیان، گل محمدی، ختمی، پنیرک و گیاهان دارویی یک‌ساله و چندساله مقاوم به شوری مانند کاسنی، رازیانه، رناس، کینوا، خارخاسک، خارشتر، گل‌رنگ، آترپلکس و کشت گلخانه‌ای آلونه‌ورا، استویا، کارلا، زنجبیل و زردچوبه و قلمه و نشای گیاهان دارویی در اولویت قرار دارند.

■ برنامه‌های توسعه کشت گیاهان دارویی اصفهان

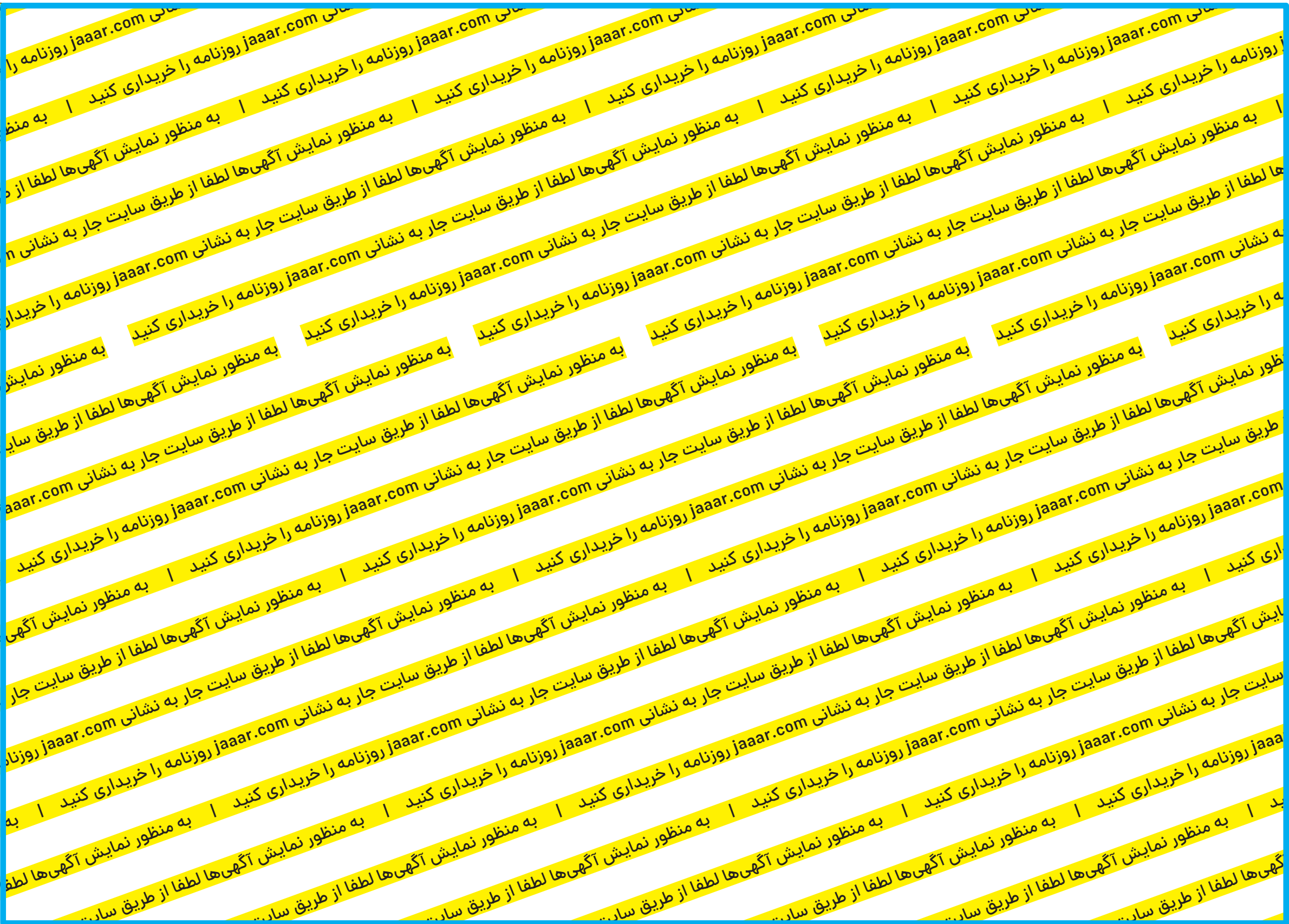
رئیس زاده خاطرنشان کرد: برنامه آموزشی و اطلاع‌رسانی، پیگیری پرداخت تسهیلات بانکی کم‌بهره، پیگیری پرداخت یارانه کشت گیاهان دارویی، پیگیری و ارائه الگوی مناسب کشت در مناطق مختلف استان، جلوگیری از انقضای گونه‌های مهم از طریق اهلی کردن و کشت انبوه مثل موسیر کوهی، آویشن دناپی و شیرازی، زربین‌گیاه، زیره سیاه کوهی، باربچه و آنغوزه، کنگر کوهی، کاکوتی، کاپاریس، مشکک و پیگیری بیمه گیاهان دارویی، اجرای طرح کشاورزی مبتنی بر قرارداد، حمایت از توسعه زنجیره ارزش گیاهان دارویی، حمایت از توسعه مکانیزاسیون در کشت تابرداشت، حمایت از توسعه صادرات با هماهنگی اتاق بازرگانی (کمیسیون کشاورزی)، حمایت از توسعه آبیاری‌های نوین، سامان‌دهی واحدهای تولید بذور و سایر اندام‌های

تکثیری گیاهان دارویی، اجرای طرح‌های مشارکتی از کشت گیاهان دارویی در عرصه‌های منابع طبیعی و اراضی شیب‌دار و مستعد، پیگیری راه‌اندازی بارانداز و پالایشگاه گیاهان دارویی در استان، پیگیری و پیشنهاد شاخصه‌های فنی و استاندارد نشای گیاهان دارویی، آویشن دناپی و شیرازی، کرفس‌کوهی و آنغوزه از جمله سیاست‌ها و برنامه‌های در راستای توسعه کشت گیاهان دارویی استان اصفهان است.

■ زنجیره فرآوری و تسهیل تجاری جایگزین خام‌فروشی سنتی شود

برای تبدیل اصفهان به هاب فرآوری و صادرات گیاهان دارویی در فلات مرکزی ایران، نیز صادرات کنندگان و اعضای کمیسیون کشاورزی و صادرات اتاق بازرگانی اصفهان چندین راهکار پیشنهاد داده‌اند. توسعه واحدهای دانش‌بنیان

برای استخراج مواد مؤثره یکی از این راهکارهاست. به‌جای فروش قله‌ای گیاه خشک، صنایع داروسازی و غذایی استان می‌توانند با ورود به تولید عصاره‌های استاندارد، استانداردسازی پودرها و اسانس‌های گرید دارویی، حاشیه سود این صنعت را چند برابر کنند. ایجاد شهرک یا پایانه تخصصی صادرات گیاهان دارویی نیز راهکار بعدی است. آموزش کشاورزان در مناطق کم‌آب استان برای پرهیز از مصرف سموم شیمیایی و دریافت گواهی‌های معتبر ارگانیک، شرط اصلی حضور بدون ریسک در بازارهای رده‌بالای بین‌المللی است. گیاهان دارویی برای اصفهان تنها یک محصول کشاورزی نیست؛ بلکه الگویی هوشمندانه برای انطباق اقتصاد استان با واقعیت‌های کم‌آبی و گذار به صادرات غیرنفتی دانش‌پایه است؛ مشروط بر آنکه زنجیره فرآوری و تسهیل تجاری جایگزین خام‌فروشی سنتی شود.



هشت گام تا قله

نگاهی به فرایند طراحی و اجرای اردوی مشهد سال ۱۴۰۵ گروه فرهنگی فانوس و پیوند برنامه های تربیتی در یک مسیر واحد



فاطمه
رجب زاده

دبیر صفحه فرهنگ عمومی

گروه فرهنگی دخترانه فانوس در آخرین روزهای شهریورماه، ۲۱ سالگی اش را جشن گرفت. مجموعه فرهنگی که دست کم برای مردم اصفهان شناخته شده است و در شرایطی که فقدان مجموعه های دخترانه در سطح شهر بیداد می کرد، بسیاری از دختران نوجوان، روزگاری مسیرشان به این مجموعه خورده است. این گروه فرهنگی حالا با گذشت ۲۱ سال از عمرش، بسیار آزمون و خطا کرده و در برخی از حوزه ها به قوام رسیده است؛ از جمله اردوداری. به گفته حجت الاسلام محمد داستانیور، مؤسس گروه، نقطه عطف این مجموعه چه در برهه های آغازین و چه در تمام این سال ها، سفرهای مشهودی بوده که رزق سالانه اعضا در آن امضا می شود. با در نظر گرفتن چنین اهمیتی راجع به سفرهای دسته جمعی گروه، ما نیز در این گزارش تو جهمان را معطوف به مدل اردوداری مجموعه و به طور خاص سفر امسال مشهد کردیم. سفر زیارتی که از تاریخ ۱۹ تا ۲۵ شهریورماه با جمعیتی قریب به ۴۵۰ نفر برگزار شد و نکته قابل توجه برای ما، برنامه های مجموعه در این چند روز بود. اگر بخواهیم خلاصه بیان کنیم؛ انسجام میان برنامه های متعدد گروه که همچون نخ تسبیحی به یکدیگر متصل بودند و هدف واحدی که دنبال می شد، برای ما بسیار جالب و متفاوت بود. در همین راستا با جمعی از اعضای کادر این گروه فرهنگی در این باره صحبت کردیم و گزارش پیشرو، همراه با گام های تعریف شده ما حاصل آن است. لازم به ذکر است که به دلیل گستردگی موضوع و اشراق هریک از اعضا بر بخشی از کار، گفت و گوهای متعددی صورت گرفته و به همین خاطر مطالب متناسب به یک شخص واحد نیست.

گام نخست

تعیین چشم انداز

نخستین نقطه حرکت گروه، بنا به گفته اعضا، به تعیین چشم انداز سالانه برمی گردد. به این شکل که مدیریت گروه، حجت الاسلام محمد داستان پور، جدای از چشم اندازهای بلند مدت، سالانه نیز چندین چشم انداز را به شورای مرکزی گروه اعلام می کنند. این شورا نیز پس از بررسی قابلیت اجرای چشم اندازها، آن ها را به واحدهای مختلف گروه ابلاغ می کند. پس از این، نوبت به واحدها می رسد که هر یک برنامه سالانه خود را بر اساس چشم انداز اعلام شده تدوین و به شورای مرکزی اعلام کنند. شورا نیز در صورت تأیید برنامه، آن را به عنوان برنامه رسمی گروه اعلام می کند. همان طور که این روند پیش از برگزاری اردوی زیارتی تربیتی مشهد مقدس در سال جاری نیز طی شده است. به این شکل که پس از اعلام چشم انداز گروه به واحد اردوداری، این واحد برنامه سالانه اش برای مشهد مقدس را بر این اساس تدوین کرده و به شورا ارائه کرده است.



گام دوم

انتخاب هدف و موضوع

مطابق با توضیحات کادر گروه، هدف و به طور کلی موضوع قابل پیگیری سفر به این صورت معلوم می شود که اعضای واحد اردوداری مطابق با چشم انداز و خط سیر کلی که مدیر گروه اعلام می کند، پیشنهادشان را راجع به موضوع بیان می کنند. در نهایت نیز با رفت و برگشت های متعدد میان اعضا و با تأیید مدیریت، تأیید نهایی صورت می گیرد. همان طور که در این اردو هدف کلی «مقاومت و استقامت نوجوانان در حرکت به سوی رسیدن به قله های ظهور امام زمان (عج)» مطرح شد و شعار گروه نیز بر این اساس به این صورت اعلام شد: «چند نفس تا قله». انتخاب این واژه از یک جهت در هماهنگی با هدف اردو بوده و از سوی دیگر مبتنی بر کلام رهبر شهید و متناسب با شرایط اجتماعی و سیاسی کشور بوده است.

گام سوم

هماهنگی با سایر واحدهای مربوطه

پس از مشخص شدن پایه های اردو، نوبت به هماهنگی با عوامل اجرایی می رسد. یعنی واحدهایی که هریک به نوعی دست اندرکار اردو هستند و خروجی محصولات یا خدمات آن ها در ارتباط با مخاطب است. از جمله واحد سیر تربیتی که مربی یا سرگروه های آن بیشترین ارتباط مستقیم با مخاطب را دارند. واحد رسانه که تولیدات تصویری آن بازتاب دهنده برنامه های اردو برای مخاطب است. همچنین واحداثظامات، خدمات، مالی و روابط عمومی که هریک مسئولیت بخشی از کار را به عهده دارند. نکته قابل توجه این است بخشی از برنامه های سفر نیز به صورت ستادی انجام می شود؛ از جمله ستاد «فرهنگی» که وظیفه آن تولید محصولاتی مبتنی بر هدف گروه است. این محصولات عموماً به مخاطب عرضه می شود و بخش زیادی از بار انتقال محتوای گروه را برعهده دارد. تجربه سال های گذشته گروه به این صورت است که انتخاب و آماده سازی یادبود سفر، انتخاب جملات مرتبط با موضوع سفر با عنوان رزق و در سال جاری تهیه بسته صعود به قله، از جمله مواردی است که به مخاطب ارائه شده است.



گام ششم

هماهنگی مجدد با مدیریت گروه در راستای طراحی

سخنرانی و پاتوق های گفت وگو

اگرچه که مبنای کار در ابتدا تصویب شده، اما در ادامه سناریوهای مطرح شده نیز با حجت الاسلام داستانیور به اشتراک گذاشته می شود تا در سخنرانی های روزانه هماهنگی لازم با سایر برنامه ها وجود داشته باشد. به طور مثال، در سخنرانی های برگزار شده در حرم امام رضا(ع) و برگزاری سخنرانی هایی با عنوان پاتوق در محل اسکان گروه که امکان گفت وگویی تعاملی هم فراهم می شود، از واژگانی همچون «قله»، «صعود»، «کمپ» و مواردی از این قبیل استفاده می شود تا ضمن آشنایی برای مخاطب، همچون تکه پازلی، سناریو طرح شده را کامل کند.

گام هفتم

برپایی جشن تولد گروه فانوس

یکی از برنامه های همیشگی این گروه فرهنگی که سالانه در اردوی مشهد برگزار می شود، جشن تولد فانوس است. از آنجا که مبدأ حرکت و تداوم گروه در ابتدای امر با توسل به امام رضا و عنایات ایشان در چنین اردویی رقم خورده است، سالانه این جشن در مشهد برگزار می شود. امسال هم یکی از برنامه های اردو جشن تولد گروه بود و نکته قابل توجه این است که برنامه های جشن نیز متناسب با هدف گروه طراحی شده بود. از دكور جشن و سخنرانی گرفته تا روایتی که با جان بخشی به «فانوس» از زبان اوپیان شد. در این سناریو، «فانوس» با مؤسس گروه سخن می گوید و روایت تولدش تا الان بیان می شود، پستی و بلندی هایی که در مسیر داشته و راه هایی که تارسیدن به قله فعلی طی کرده است.

گام هشتم

ارائه چشم انداز گروه برای ۱۵ سال آینده و چشم انداز

سالانه مخاطبان

در انتهای این سفر، مؤسس فانوس طی جلسه ای با اعضای کادر گروه، طرح کلی چشم انداز ۱۵ سال آینده گروه را بیان کرده و همچون مخاطبان نوجوان، برای آن ها دشواری و سختی های پیش رو را ترسیم می کند. حجت الاسلام در این گفت وگو ابتدا اشاره ای به مسیر طی شده، اهداف و دستاوردها می کند و سپس ملزومات ادامه مسیر را تعریف می کند. نوجوانان نیز در انتهای مسر طی شده با امام رضا(ع) عهدهایی بسته که هریک به طور مستقیم یا غیرمستقیم رشد آن ها را در پی دارد. آن ها در گفت وگوهای پایانی شان با دوستانشان اذعان می کنند که در دنیا، امکان کمپ زدن و ماندن در موقعیت فعلی وجود ندارد؛ پس لاجرم یا محکوم به سقوطیم یا دست یابی به پرچم ظهور حضرت حجت صلوات الله علیه.



گام چهارم

طراحی و ساخت بسته صعود به قله

از جمله ابداعات سفر مورد بررسی ما و شاید به نوعی نقطه تمایز تولیدات فرهنگی گروه با سال های گذشته، بسته صعود به قله بود. این بسته به گونه ای طراحی شده بود که سازه کاغذی چند کوه در بسته ای به سرگروه و از اعضای گروهش واگذار می شد و در طول سفر، در زمان های مشخصی، همه گروه ها به صورت هم زمان به سراغ مأموریتی یکی از این کوه ها می رفتند. ستاد فرهنگی گروه در هر مرحله مأموریت هایی فردی یا گروهی تعیین کرده بود که در صورت همراهی مخاطب با آن، بخشی از انتقال محتوای مدنظر گروه انجام می شد.

مأموریت گروهی اول، آشنایی با روایت شخص جامانده در کوه؛ در این مأموریت سرگروه پس از رمزگشایی از تصویر موجود در پاکت کوه مانند، رمز یادکست را وارد کرده و در آن لحظه روایت دختری پخش می شد که در موقعیت سختی، در کوه گم شده است. پس از شنیدن سختی های موقعیت، سرگروه از اعضای خود می خواست که موقعیت بیان شده را با موقعیتی از زندگی خودشان تطبیق دهند و سپس به این فکر کنند که در شرایط مشابه، آن ها چه می کردند؟ جزم همه توان برای صعود بیشتر یا وادادگی و لاجرم سقوط؟

مأموریت فردی دوم، نوشتن موقعیت مشابه با دختر جامانده در کوه؛ در مأموریت بعدی، سرگروه یادکست دیگری از دختر مذکور پخش می کند که سرانجام توانسته از موقعیت سخت قبلی فائق آید و توصیفی است از حس و حال او در شرایطی که با اندک امید و توانی که داشته، همت کرده و ادامه مسیر را پیموده است. هدف از پخش این صوت هم ذات پنداری نوجوان با سوژه و به کارگیری تفکرش درباره مشکلات زندگی به واسطه نوشتن آن ها است.

مأموریت فردی سوم، تعامل با خدام حرم؛ مواجهه مخاطبان فانوسی با یکی از خادمان حرم و گفت وگو با آن ها برای شنیدن نصیحت، روایت یا حس و حالشان از خدمت در حرم.

مأموریت گروهی چهارم، انجام اعمالی در راستای خادمی حرم فیزیکی امام رضا(ع) به نیت جلب رضایت ایشان؛ به این صورت که شخص با نیت خادمی، عملی همچون مرتب کردن قفسه های کتاب، سرگرم کردن کودک ناراحت، کمک به هم گروهی هایش و مواردی از این قبیل را انجام می دهد. در نهایت پس از انجام عمل و شادمانی قلبی پس از آن، این طور روایت می شود که حرم امام رضا(ع) محدود به حرم فیزیکی ایشان نیست و در طول زندگی روزانه هم می توان برای خود بازیابی چنین خدمت و حس و حالی را داشت.

مأموریت فردی پنجم، دریافت یادبود؛ اهدای برجسب های تلفن همراه با عکس قله هایی که در ابتدای مسیر از حرم امام رضا(ع) می گذرد.

مأموریت فردی ششم، حضور در اماکن خاص؛ حضور گروه ها در یکی از مکان های مشخص شده برای آشنایی با ویژگی های آن مقصد؛ از جمله کتابخانه مرکزی حرم، حضور در خانه های تاریخی حرم، حضور بر سر مزار رهبر شهید و...

مأموریت فردی هفتم، ترسیم آینده؛ جمع بندی همه مطالبی که از ابتدا در برنامه های مختلف گروه برای مخاطب بازگو شده است و در نهایت گفت وگو مخاطب با خود در یک سال آینده و اهدایی که در این مسیر برای خودش تعیین می کند. بنا بر این مأموریت، این گفت وگو پس از خلوت با خود در حرم امام (رضا)، ثبت می شود.

در پایان این مأموریت ها، قله هشتم، دست یابی به پرچم نمادین سبز رنگ گنبد امام رضا(ع) است که بر روی آن نوشته شده «نصر من الله و فتح القریب». این پرچم نیز همچون سایر پرچم ها که هریک متعلق به یکی از مأموریت ها بودند، روی بسته، در مسیرهای صعود قله توسط مخاطب نصب می شود.

گام پنجم

جلسات مشترک واحدها برای هماهنگی ایده ها

در نهایت، پس از اینکه واحدهای مختلف متناسب با هدف و موضوع اردو، برنامه هایشان را طراحی کردند، جلسات مشترک میان واحدی برگزار می شود تا یکدیگر را نیز از برنامه هایشان مطلع کنند و هم افزایی بیشتری شکل گیرد. به طور مثال، پس از اینکه ستاد فرهنگی طرح بسته صعود را مطرح کرد، واحد سیر تربیتی نیز بخشی از سناریو نویسی آن را به عهده گرفته و مأموریت اول و دوم را در قالب گنده سرگروه با اعضایش پیش می برد. همچنین پس از آشنایی با طرح کلی، مأموریت ها را برای سرگروه ها توضیح داده تا بتوانند مواجهه بهتری با مخاطب داشته باشند.



می‌رقصد، نه برای شهرت، که برای ادای دین.» شاید همین اخلاص است که باعث شده آثار آن‌ها، با وجود سادگی ابزار (آبرنگ)، به عمق جان مخاطب بنشیند. در حالی که فضای هنری کشور گاه درگیر حواشی رنگارنگ است، امیرعلی‌راد و همسرش، در گوشه‌ای از اصفهان، با همان نگاه شهید رضوان پور، در حال ترسیم تصاویری هستند که نه از «جنس رنگ»، که از «جنس نور» است. آن‌ها به ما یادآوری می‌کنند که برای ماندگار شدن، نه به بوم‌های بزرگ روغن نیاز است و نه به تکنیک‌های پیچیده؛ تنها کافی است که دلی با شهدا گره بخورد و دستی برای روایت «ایثار»، قلم‌مویی در دست بگیرد. امیرعلی‌راد و همسرش همچنان با همان انرژی سال ۹۸، در حال ترسیم روایت‌های ناگفته هستند. آن‌ها ثابت کردند که حتی اگر شهید رضوان پور در میان ما نباشد، «میراث» او، که همانا «هنر متعهد» است، در دستان این زوج هنرمند همچنان زنده و پویاست؛ میراثی که با هر ضربه قلم‌موی آبرنگ، دوباره متولد می‌شود.

نگاه یک شهید بر بوم هنرمند!

از هیئت خادم‌الشهدا تا قاب‌های ماندگار؛ روایت پیوندی که با پیشنهاد شهید میثم رضوان پور به هنر متعهد گره خورد



هنر متعهد، نباید در هیئت محصور بماند، بلکه باید به دل خیابان و میان مردم برود.

■ **زوجی که فقط برای «او» می‌کشند**
 امیرعلی‌راد (۳۷ ساله) و همسرش معصومه حسین‌زاده (۲۶ ساله)، تنها یک زوج هنرمند نیستند؛ آن‌ها مصداق بازیک‌تعهد هشت‌ساله هستند. راد، مهندس ساختمان و کارمند ذوب‌آهن است و همسرش، کارشناسی ارشد هنرهای تجسمی دارد و فرهنگی است. اما فارغ از تخصص‌های آکادمیک، آن‌ها در یک نقطه به تفاهم مشترک رسیده‌اند: «فقط و فقط برای شهدا کار کردن.» راد توضیح می‌دهد که در این ۸ سال زندگی مشترک، حتی یک اثر غیر از موضوع شهدا خلق نکرده‌اند. این یک انتخاب کاملاًدلی است. «ببینید، هر هنری نیاز به ابراز وجود دارد. مافکر کردیم چه بهتر که رسالت هنری ما به سستی برود که حرفی برای گفتن داشته باشد. برای ما هیچ اتفاقی مهم‌تر از این نبود که از کسانی صحبت کنیم که اوج فداکاری بودند.»

این تعهد، ابعاد اقتصادی عجیبی هم دارد. در جهانی که هنر اغلب با برچسب قیمت‌سنجیده می‌شود، آثار این زوج «رایگان» هستند. راد با تأکید می‌گوید: «ما در این ۸ سال قریب به ۲۲۰ اثر داشته‌ایم. ما هیچ‌گونه دریافتی بابت آثارمان نداریم. همه چیز دلی است؛ از تهیه مواد و مترتال گرفته تا صرف وقت و انرژی. این کار، معامله با شهداست و آن شاءالله تاابد همین‌طور باقی می‌ماند.»

■ **عبور از چهره‌نگاری؛ به سوی «مفهوم»**
 برای سال‌ها، تکنیک اصلی آن‌ها «آبرنگ» بود. راد می‌گوید: «ما تکنیک‌های دیگر هم کار می‌کنیم، اما آبرنگ در این سال‌ها زبان ارتباطی ما با مخاطب بوده است.» تحول اصلی ولی در نمایشگاه اخیر آن‌ها یعنی «ایثار مادرانه» رخ داد. آن‌ها تصمیم گرفتند از «پرتره‌نگاری صرف» فاصله بگیرند. راد درباره این تحول فلسفی می‌گوید: «هر هنرمند متعهدی، خود را وام‌دار شهید آوینی می‌داند. ما همیشه جمله معروف ایشان را که "هر که می‌خواهد ما را بشناسد، داستان کربلا را بخواند" بر روی آثارمان می‌نوشتیم. اما تصمیم گرفتیم این معنا را به منصفه ظهور بگذاریم. یک نمی‌خواستیم فقط صورت شهید را بکشیم. شهید، یک خانواده دارد، یک فضای عاطفی دارد که کمتر دیده شده است.»

در نمایشگاه اخیر، مخاطب به جای دیدن خشک و خالی چهره قهرمانان، با نامادها مواجه می‌شود. راد مثال می‌زند: «ما مادری را به تصویر کشیدیم که روی صندلی نشسته، عصابش کنارش است و عکس پسرش در دستش قرار دارد؛ یا تصویری از دست مادری که



گاهی یک رقافت، فراتر از چهارچوب‌های معمول دنیای ما، پلی می‌زند به دنیای دیگر یک‌سرایین‌پل‌درگزار شهداست و سرنیگرش روی بوم‌های نقاشی زوجی که ۸ سال است رنگ و قلم‌مور را جز برای «شهیدان» به کار نکرده‌اند. برای «امیرعلی‌راد» و همسرش «معصومه حسین‌زاده»، نقطه آغاز این مسیر پرپیچ‌وخم، نه یک تصمیم‌شخصی در خلوت آنلیه، که پیشنهادی جسورانه از سوی کسی بوده که امروز جای خالی‌اش در میان ما حس می‌شود: شهید «میثم رضوان پور».

■ **جرقه‌ای در هیئت خادم‌الشهدا**
 سال‌ها پیش، در فضای پُرشور و معنوی هیئت «خادم‌الشهدا» خمینی‌شهر، «امیرعلی‌راد و همسرش مسیری را پیش گرفته بودند که شاید کمتر کسی در آن روزگار به آن فکر می‌کرد. آن‌ها نقاشی می‌کردند؛ اما نه نقاشی پشت درهای بسته. آن‌ها هنرشان را به متن رویدادهای مذهبی آورده بودند. در آن روزهای پُر از شور حسینی، «نقاشی‌زنده» (LivePainting) تکنیک اصلی آن‌ها بود. راد روایت می‌کند: «ما میری می‌گذاشتیم و همزمان با مراسم، از صفر تا صد یک نقاشی را در برابر دیدگان جمعیت به تصویر می‌کشیدیم.»

در همان هیاهوی معنوی، یک نفر نگاهش به این قلم‌زنی‌ها جلب شد. کسی که جنس هنر را می‌شناخت و دغدغه «رسانه» داشت: «شهید میثم رضوان پور.» راد با یادآوری آن روزهای می‌گوید: «آقا میثم یک روز پیش ما آمد و باهمان نگاه نافذش گفت: «چرا این کار را نمایشگاهی نمی‌کنید؟» ما حتی فکرش را هم نمی‌کردیم که این آثار قابلیت برگزاری نمایشگاه داشته باشد. او یک پیشنهاد عجیب داد: «شما کار را تولید کنید، برگزاری‌اش با من؛ من مدیر اجرایی کار شما می‌شوم.» «این پیشنهاد، آن «جرقه»‌ای بود که مسیر هنری این زوج را تغییر داد. شهید رضوان پور، با حمایت بی‌دریغ خود، به آن‌ها اعتماد به نفس ورود به فضای عمومی را داد. اولین نمایشگاه رسمی آن‌ها در ۲۱ تیرماه ۱۳۹۸ با عنوان «عفاف و حجاب» در گذر تاریخی چهارباغ اصفهان برگزار شد. امیرعلی‌راد با صدایی که لرزشی از ارادت در آن حس می‌شود، با همه‌چوره مدیون این شهید بزرگوار هستیم. او بود که دست ما را گرفت و کلیدآغاز برگزاری نمایشگاه‌ها را زد. او به ما یاد داد که



به جز آبرنگ، با پاستل و مدادرنگی هم کار می‌کنند و حتی در سبک‌های سنتی مانند گل‌ومرغ و تند‌هیب نیز دستی بر آتش دارند. این زوج اصفهانی اما تابلوهای با موضوع شهدا را با آبرنگ نقاشی می‌کنند. حسین‌زاده دلیلش را این‌طور بیان می‌کند: «این موضوع به حس و حال تکنیک برمی‌گردد. در نقاشی رنگ‌ها به دو



هنر گاهی از پیوند تجربه‌های مشترک و دغدغه‌های انسانی شکل می‌گیرد؛ آنجا که دو هنرمند، در کنار زندگی روزمره و حرفه‌های متفاوت، مسیری مشترک برای خلق اثری‌ی‌دا می‌کنند. معصومه حسین‌زاده، معلم و دارای تحصیلات دانشگاهی هنر، و امیرعلی‌راد، مهندس عمران و شاغل در ذوب‌آهن، زوج اصفهانی هستند که با تکیه بر تجربه و علاقه، بیش از ۲۲ تابلو با موضوع شهدا خلق کرده‌اند. آن‌ها در نمایشگاه «ایثار مادرانه» با تکنیک آبرنگ، به سراغ روایت مادران شهدا رفته‌اند؛ زنانی که در پس هر حماسه، سهمی کمتر دیده‌شده از ایثار و فداکاری دارند.

■ **نقش‌هایی به عشق شهدا**
 معصومه حسین‌زاده در معرفی خود و همسرش می‌گوید: «رشته کارشناسی‌ام گرافیک و کارشناسی ارشد هنرهای تجسمی بوده و با مباحثی مانند رنگ‌شناسی آشنایی بیشتری داشتم؛ اما همسرم آموزش آکادمیک ندیده و یادگیری‌اش کاملاً تجربی و اکتسابی است. پس از ازدواج تصمیم گرفتیم تمام کارهایمان را به نیت شهدا و کاملاً رایگان انجام دهیم. کارگاه‌هایی که اجرا می‌کنیم، بدون دریافت هزینه بوده است. این آثار را با به خانواده‌های معظم شهدا هدیه می‌دهیم، یا در امور خیریه به مزایده گذاشته می‌شود تا عواید فروششان صرف کارهای خیر شود.»

امیرعلی‌راد می‌افزاید: «یکی از فعالیت‌های من و همسرم، برگزاری طراحی‌های زنده است؛ نقاشی‌های میدانی در هیئت‌های مذهبی، یادواره‌های شهدا، پاساژها و فضاهای عمومی. ما از صفر تا صد کار، یعنی از طراحی اولیه تا تکمیل نهایی‌اش را به صورت زنده در حضور مردم اجرا می‌کردیم و در پایان نیز اثر به نفع همان مجموعه یا امور خیریه به مزایده گذاشته می‌شد.»

■ **آبرنگ در خدمت مقاومت**
 حسین‌زاده می‌گوید تا به حال ۲۲۰ تابلو کار کرده‌اند و همه‌شان با محوریت شهدا آکشیده شده‌اند. این دو نفر



ایران اختصاص داشت؛ از شهدای مدافع حرم و امنیت گرفته تا شهدای خدمت (از جمله شهید رئیسی) و سردار دل‌ها، حاج قاسم سلیمانی. راد می‌گوید بازخورد مخاطبان برایشان غافلگیرکننده بود. «خیلی‌ها به ما می‌گفتند که موضوع برایشان از خود تکنیک نقاشی جذاب‌تر بوده است. وقتی مردم می‌بینند که ما به جای کشیدن صرف چهره یک شهید نامدار، به سراغ روایت مادری رفته‌ایم که در غم فرزندش آب شده، ارتباط عمیق‌تری می‌گیرند. این همان نقطه‌ای است که ما در پی آن بودیم.»

قاب آبرنگی ایثار

روایت نقش‌هایی به عشق شهدا از زبان زوج اصفهانی

نظری می‌دهد، من می‌پذیرم و برعکس، اگر من هم نظری بدهم، ایشان با گشاده‌رویی بررسی می‌کند. هیچ تعصبی وجود ندارد و می‌دانیم تمام پیشنهادها برای ارتقای کیفیت کار است. ما محرک و بال پرواز یکدیگر هستیم، نه مانع کار هم.»

■ **نقش‌هایی که با وضو کشیده می‌شوند**
 در تابلوهای حسین‌زاده و راد در نمایشگاه «ایثار مادرانه»، جزئیات بافت پوست، چین و چروک دست‌ها، چهره مادران و نگاه‌ها با ظرافت و دقت بالایی اجرا شده‌اند؛ درحالی‌که کار با آبرنگ نسبت به سایر تکنیک‌ها دشوارتر است.

از آن‌ها می‌پرسم چگونه به این سطح از مهارت در اجرای سایه‌روشن‌ها و بافت‌سازی با آبرنگ رسیده‌اند. حسین‌زاده پاسخ می‌دهد: «بسیاری از بازدیدکنندگان دقیقاً همین پرسش را مطرح می‌کردند. حتی هنرمندانی که خودشان آبرنگ کار می‌کردند، می‌گفتند رسیدن به چنین ظرافتی کار ساده‌ای نیست. ما خودمان ادعایی نداشتیم؛ اما در پاسخ باید بگویم این خروجی بیش از هر چیز عنایت خود شهدا بوده است. ما تابلوها را با دل و احساس و با وضو کار می‌کنیم و روی تک‌تک این آثار توجه و نگاه شهدا جریان داشته است.»

او درباره تکنیک کار می‌گوید: «آبرنگ روش‌های مختلفی دارد. خیلی از هنرمندان از تکنیک خیس درخیس استفاده می‌کنند که با خیس کردن مقوا و لکه‌گذاری سریع، کار را ظرف یکی‌دو ساعت به سرانجام می‌رسانند؛ چون رنگ‌ها سریع پخش می‌شوند و حجم صفحه را پر می‌کنند؛ اما سبک ما این‌گونه نیست. کار ما پر از جزئیات و ظرافت است و کشیدن هر تابلو زمان بسیار بیشتری می‌برد. در این مجموعه، بیشتر با روش خیس در خشک یا خشک در خیس کار کرده‌ایم تا ظرافت کار بیشتر شود.» بیشتر تابلوهای نقاشی این نمایشگاه

مشخصاً آراییده تخیل این زوج نقاش نیستند و از روی تصاویر مستند اجرا شده‌اند. معصومه حسین‌زاده در این خصوص می‌گوید: «اکثر نقاشی‌ها مستندند. ما از تصاویر مرتضی‌اکبری، عکاس اصفهانی دفاع مقدس، استفاده می‌کنیم. ایشان عکس‌هایشان را در اختیار ما قرار دادند. البته در برخی طرح‌ها هم مداری دخل و تصرف کرده‌ایم.»

■ **نقاشی‌هایی با دل، نه به سفارش!**
 امیرعلی‌راد می‌گوید تابلوهای این نمایشگاه را در طول یک سال اجرا کرده‌اند و تأکید می‌کند: «ما اصلاً کار سفارش قبول نمی‌کنیم. کاری را که به دلمان ننشیند یا با روحیاتمان نخواند، انجام نمی‌دهیم. این یک تعهد دو جانبه به هنرمان است و فقط چیزی را کار می‌کنیم که باب میلمان باشد. ما متعهد شده‌ایم ابعاد مختلف جهاد و ایثار را به نمایش بگذاریم. معمولاً فقط خود شهید و لحظه شهادت دیده می‌شود. اما در خصوص این نمایشگاه خواستیم نشان دهیم در پشت پرده شهدهی که ایثار کرده، چهره پرورش‌دهنده‌ای وجود دارد که او را به این بلوغ رسانده است. مادران شهدا در کنار همه فداکاری‌ها، کمتر دیده شده‌اند؛ بنابراین تمرکز سوزه‌های ما بر این مبنا بود.»

به گفته حسین‌زاده، نمایشگاه بعدی‌شان ترکیبی از تکنیک آبرنگ و سبک گل‌ومرغ خواهد بود: «ان‌شاءالله نمایشگاه جدیدی در پیش داریم که در آن تکنیک اثر آبرنگ و سبک آن گل‌ومرغ است؛ یعنی ترکیبی از نقاشی شهدا و هنر گل‌ومرغ را به نمایش خواهیم گذاشت. هنر گل‌ومرغ و سبک‌های سنتی مختص استان ما هستند؛ به همین دلیل تصمیم گرفتیم کاری خلق کنیم که پیوند دهنده شهدا با هنر بومی و سنتی شهرستان باشد.»

کار ما کاملاً با رقافت و همراهی پیش می‌رود و اگر نظری هم باشد، در کمال احترام و محبت مطرح می‌شود؛ یکی پیشنهاد می‌دهد و دیگری با آرامش بررسی و قبول می‌کند

